

نقش بشارت و انداز

در سازندگی

عبدالحکیم سلیمی

مقدمه:

هدف از آفرینش جهان، معرفت و دانش، تربیت و سازندگی است. یعنی جهان دانشکده‌ای است که همه مخلوقاتش بمنظور علم و دانائی هر چه بیشتر انسانها آفریده شده است.

أَنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبِئَ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.

و محققاً در آفرینش آسمانها و زمین، رفت و آمد شب و روز و کشتی‌های که بر روی آب برای انتفاع خلق در حرکتند و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا بواسطه آن زمین را بعد از مردن و نابود شدن گیاه آن زنده کرد و سبز و خرم گردانید و در برانگیختن انواع حیوانات در زمین و در وزیدن بادها بهر طرف و در خلقت ابر که در میان زمین و آسمان مسخر و به اراده خدا در حرکت است، در همه این امور (چون بانظم و حکمت است) برای عاقلان ادله‌ای واضح بر علم و قدرت و حکمت آفریننده است.^۱

آفرینش جهان و تدبیر حکیمانه آن بهترین زمینه برای تحریک حس کنجکاوی بشر و برای تفکر و تدبیر بیشتر و درک اسرار جهان خلقت و در نهایت آگاهی بر علم و قدرت پروردگار حکیم می‌باشد. پس اینها مقدمه تعلیم و تربیت انسانها و رسیدن به قرب الی‌... است. اصولاً فلسفه انزال کتب و ارسال زسل بویژه بعثت رسول اکرم (ص) ساختن و پروراندن انسانها است، به گونه‌ای که در پرتو حاکمیت ایدئولوژی توحیدی، سطح معرفت و دانش انسانها بالا رود، روح استدلال، تعقل و تفکر در جامعه بیدار و شکوفا گردد. در قرآن کریم چنین فرموده است:

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ.

«چنانکه رسول گرامی خود را به سوی شما فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدیها و آلودگیهای جهل و شرک، پاک و مژره گرداند و به شما تعلیم شریعت و حکمت کند و از هر چه را نمی دانید، بیاموزاند»^۱.

تعلیم و تزکیه ای که در پرتو آن جامعه ایده آل الهی و انسانی ساخته و پرداخته شود، جامعه ای که افراد آن با درک صحیح از فلسفه زندگی راه را از چاه تشخیص داده، زشت و زیبا، نیکی و بدی، دوست و دشمن را از هم بازشناسند، یار و یاور هم، متعادل و متکافل و خیرخواه همدیگر بوده و در برابر دشمن و هر چه زشتی و پلیدی یک نیروی هماهنگ و کوبنده باشند. جامعه ای که افراد آن با درک و شناخت عمیق از ارزشها، راه چگونگی دفاع کردن از آن را به نیکی بدانند، افراد مؤمن، آگاه و عاشق که در مواجهه با تحولات اجتماعی اریزایب بوده، پلیدیها و زشتیها را طرد خوبیها و نیکیها را اخذ می کنند.

و بعث الی الجن و الأنس رسله لیکشفوا لهم عن غطائها و لیحذروهم من ضرائها و لیضربوا لهم أمثالها و لیصروهم عیوبها و لیهجموا علیهم بمعین من تصرف مصاحبها و اسقامها و حلالها و حرامها و ما اعد الله سبحانه للمطین منهم و العصاة من جنه و نار و کرامه و هوان.

«خدای سبحان رسولانش را به سوی جن و انس فرستاده تا برای آنان پرده نادانی و گمراهی دنیا را بردارند و از بدیها و ناگواریهای دنیا آنانرا برحذر دارند و برایشان از بیوفائی دنیا مثلهای زنند و آنانرا به نواقص آن بیناگردانند و در حین غفلت آنها را به سخنان عبرت آمیز تیه سازند و از تغییر حالات مانند تندرستی و خوشی، بیماری و گرفتاری و کسب حلال و حرام و از بهشت و ارجمندی که برای مطیعین و دوزخ و خواری که برای گنهکاران آماده است، آنانرا آگاه سازند»^۲.

در راستای ساختن و پروراندن جامعه ای الهی و انسانی است که رسول اکرم (ص) در اوائل بعثت، ما بورت پیدا می کند تا مردم را انداز نماید.

یا ایها المدثر قم فأنذر ای پوشیده در جامه برخیز و مردم را انداز کن»^۳.

ذی راسالت تو جهانی است و بعثت تو برای رهائی همه انسانهای دربند و گرفتار است. به اعتقاد غالب مفسرین نزول هفت آیه اول از سوره (مدثر) بعد از نزول پنج آیه از سوره (علق) است یا این حساب کلمه «انذره» سومین امری است که بر رسول اکرم (ص) نازل گردیده است. یعنی در آغاز سوره «علق» دارد (اقرأ باسم ربک الذی خلق) و در ابتدای سوره مدثر می فرماید: «یا ایها المدثر قم فأنذر ای پوشیده در جامه، قیام کن و مردم را انداز کن.

و شاید رمز تقدم دو امر (اقرأ و قم) این باشد که ذکر نام خدا و شناخت اسرار آفرینش و درک حقائق توحید و قیام پیامبران الهی برای اعتلای این نام، وسیله ای است برای انداز

۱- سوره بقره آیه ۱۵۱.

۲- نهج البلاغه فیض مخ ۱۸۲ ص ۶۰۰.

۳- سوره مدثر آیه (۱ و ۲).

مردم از بدیها و زشتیها و قوانین شیطانی حاکم بر جامعه و نیز بشارت آنان بر ایجاد جامعه توحیدی و تأمین سعادت دنیوی و اخروی در پرتو آن می‌باشد. چنانکه در قرآن کریم داریم:

یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سرابجاً منیراً.

«ای رسول گرامی! ما تو را برسالت مبعوث کردیم تا برتیک و بد خلق گواه باشی و خوبان را به رحمت الهی مژده دهی و بدان را از عذاب الهی بترسانی و به اذن حق مردم را به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی»^۱.

و در جای دیگر می‌فرماید:

انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً: ﴿لنؤمنوا بالله و رسوله و تعدّروه و توفّروه و تسبحوه بکرة و اصیلاً﴾.

«ای رسول گرامی! ما تو را فرستادیم که شاهد نیک و بد امت باشی و خلق را به لطف و رحمت حق بشارت دهی و از قهر و غضب او بترسانی تا مؤمنین بخدا و رسول، دین او را یاری و به تعظیم و جلالش، صبح و شام تسبیح او گویند»^۲.

از مجموعه صفاتی که در قرآن کریم برای انبیای الهی و به خصوص در مورد رسول اکرم (ص) بخاطر اهمیت و نقش سازنده آن در آیات زیادی به آن اشاره شده است دو صفت «بشیر و نذیر» است که در نهج البلاغه امام علی علیه السلام نیز بر آن تکیه شده است از جمله در مدح رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

أمین و حیه و خاتم رسّله و بشیر رحمته و نذیر نقمته.

«رسول اکرم (ص) امین رحی الهی و خاتم پیامبران، مژده دهنده رحمت و بیم‌دهنده از عذاب الهی است یعنی او احکام الهی را بدون کم و زیاد به مردم تبلیغ کرد»^۳.

ذکر دو صفت «بشیر و نذیر» در ردیف «امین و حیه» و «خاتمیت» بیانگر اهمیت و نقش سازنده آن در تبلیغ رسالت است. بخاطر این اهمیت به شرح و تفسیر مختصر آن دو می‌پردازیم:

معنای انذار و تبشیر: بشارت بمعنای نوید دادن به سعادت و وضعیت دلپذیر و مطلوب آینده که در اثر اجرای قوانین الهی و اطاعت از آن پدید می‌آید و بشیر یعنی مژده دهنده به این وضعیت مطلوب، چنانچه خداوند می‌فرماید:

فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون.

«هرکس از هدایت الهی پیروی کند هرگز (در دنیا و آخرت) اندوهگین نخواهد شد، همواره سعادت‌مند خواهد بود»^۴.

۱- سورة احزاب / ۴۶ و ۴۷.

۲- سورة فتح / ۸۱ و ۸۹.

۳- نهج البلاغه فیض خ ۱۷۲ ص ۵۵۸.

۴- سورة بقره آیه (۳۸).

انذار بمعنای بیم‌دادن و برحذر داشتن انسانها از معایب و مفاسد اجتماعی و آنگاه نمودن آنان از وضع دردناک و سرنوشت غمناک که در انتظار بدکاران و گنهکاران است. به فرموده قرآن کریم:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.
و آنانیکه کافر شدند و تکذیب آیات ما کردند، آنها البته از همدمان جاودان آتش خواهند بوده!.

نذیر یعنی بیم‌دهنده از وضع فاسد هر زمان یا ترساندن از وضع دردناکی است که در انتظار بدکاران بوده و بدنبال وضعیّت فاسد موجود ایجاد می‌گردد.

تبشیر و انذار دو بال تعلیم و تربیت، خودسازی و سازندگی است زیرا انذار و بشارت یعنی تجهیز و تحریک نیروها، ایجاد تعادل و بکار گرفتن صحیح آن در طریق شکوفایی، رشد و بالندگی و انذار و تبشیر یعنی رهایی بشر از بارهای سنگین خرافات و عادات باطل حاکم بر زندگی انسانهای دریند و نجات آنان از افسردگی و جمود، یأس و بدبختی و از تعصبات خشک و کور نژادی، قومی و قبیله‌ای، چنانچه در قرآن کریم فرموده است:

...و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم ...

رسول گرامی اسلام «ص» انسانها را به نیکی‌ها امر و از زشتی‌ها منع می‌کند و احکام پرورج و مشقتی را که (از جهل و هواپرستی) چون زنجیر به گردنشان نهاده‌اند همه را برمی‌دارد ... و هرکس از او پیروی کند از رستگاران عالم خواهد بود.^۲

آری انذار و بشارت رسالتی است بسیار مقدس و سازنده در عین حال خطیر و پس سنگین که هرکس را توانایی انجام آن نیست بلکه وظیفه انسانهای مؤمن و فداکار، ساخته شده و پاکباز، اندیشمند و بیدار و واقع‌نگر و هدف‌داری است که از حرمت و عزت اجتماعی برخوردار بوده و با سعی و فداکاری، استقامت و پایداریشان مسیر جامعه را به گونه‌ای ارزنده و مثبت تغییر می‌دهند و اینان عاشق انسانها و عاشق عزت و سعادت آنانند. موفقیت خودشان را در تکامل و ترقی جامعه احساس می‌کنند و در راستای حاکمیت و حفظ ارزشها جان‌برکف و مقاوم بوده و با مظاهر ضد ارزشی همواره در جنگ و ستیزند. امام علی (ع) در وصف رسول اکرم (ص) چنین فرموده است:

بعثه و الناس ضلال في حيرة و خابطون في فتنة قد استهوتهم الاهواء و استزلتهم الكبرياء و استخفتمهم الجاهلية الجهلاء حيارى في ضلال من الأمر و بلاء من الجهل فبالغ صلى الله عليه و آله و سلم في النصيحة و مضى على الطريقة و دعا الى الحكمة و الموعدة الحسنة.

خداوند در زمانی رسول اکرم (ص) را مبعوث به رسالت کرد که مردم از راه حق گمراه

۱- سورة بقره آية (۳۹).

۲- سورة اعراف (۷) آية (۱۵۷).

شده و در کار خود سرگردان بودند و در راه فتنه و فساد از روی خبط و اشتباه قدم می‌نهادند و هواها و آرزوهای ناروا آنان را اسیر کرده و کبر و غرور آنان را به اشتباه کاری واداشته و جهل و سبکسری آنان را نفهم و سبکسر نموده، در یک چنین حالتی است که رسول اکرم (ص) در نصیحت آنان اهتمام ورزید و گذشت در راه راست و بسوی حکمت و دانش و پند نیکو آنها را دعوت کرد (تا از سیه‌روزی و بدبختی نجات یافته و سعادت دنیا و آخرت را بدست آورد)!

بشارت و انداز، در صورتی عامل سازنده و تکامل‌آفرین و هدایتگر جامعه بسوی سعادت دنیوی و اخروی است که با رعایت شرایط آن انجام بگیرد.

شرائط بشارت و انداز و تبشیر

آنانی که رسالت عظیم و خطیر انداز و تبشیر را بر عهده دارند که معمولاً آگاهان و خوبان جامعه‌اند بایستی واجد صفات زیر باشند:

۱- تقوای الهی

۲- بینش اجتماعی - سیاسی

۳- تصمیم و اعتقاد راسخ به مبارزه.



۱- تقوای الهی (پاک بودن از آلودگیهای محیط):

مبشر و منذر باید دوره خودسازی دیده و از تمام آلودگیها و مفسدات اجتماعی و اخلاقی پالایش شده باشد، تا توانایی سازندگی و خلاقیت دیگرسازی در او شکوفا گردد، به تعبیر زیبای قرآن کریم کسانی که مرحله‌ای (قد افلح من زکیها) را گذرانده باشند، و در دوره خودسازی، ساخته و پرداخته شوند، می‌توانند (سراجاً منبراً) و مصدر خدمات سازنده اجتماعی قرار بگیرند. امام علی (ع) در وصف رسول اکرم (ص) آن‌گویی حسنه می‌فرماید:

مستقره خیر مستقر و منبته اشرف منبث فی معادن الکرامه و مناهد السلامة قد صرفت نحوه افئدة الابرار و ثنیت الیه ازمة الابصار دفن الله به الضغائن و اطفأ به التواتر ألف به اخوانا و فرق به اقرانا اعز به الذلة و اذلة به العزة کلامه بیان و صمته لسان.

«قرارگاه او (مکه معظمه در آنجا که مبعوث به رسالت گردید) بهترین قرارگاه و جای نموّ او (مدینه طیبه که احکام الهی را منتشر نمود) شریفترین جای دنیا است و آن بزرگوار در کانهای کرامت و بزرگواری (اصلاب شامخه و ارحام معطره) و آرامگاههای سلامت (غاری از هر عیب و نقص ظاهری) روید شده است، دلهای نیکان شیفته او گشت و زمام چشم‌ها به سوی او خیره گشت یعنی جهل و گمراهی حاکم بر جوامع بشری را دیدند، خداوند بوسیله آن وجود مبارک کینه‌های دیرینه را نابود ساخت و آتش عداوت و دشمنی را خاموش کرد و میان برادران ایمانی الفت و مهربانی ایجاد کرد و میان خویشان (مانند حمزه و ابی‌لهب) به سبب کفر و اسلام جدایی انداخت و با ظهور آن وجود رحمت ذلت مؤمنین تبدیل به عزّت و برتری کفار مبدل به نکبت و بدبختی گشت، سخن او بیان و سکوتش زبان بود»^۱.

در جای دیگر چنین توصیف می‌فرماید:

...بَلِّغْ عَن رَّبِّهِ مَعذِرًا آنحضرت از سوی خدا با دلیل و برهان تبلیغ احکام نمود

و نصح لامتہ منذرًا و امت خود را از عذاب الهی انداز کرد

و دعا الی الجنّة مبشرا و آنرا نوید به بهشت داد

نحن شجرة النبوة ما ائمه اثنا عشری از شجره نبوت هستیم

و محط الرّسالة و محل نزول رسالت الهی هستیم

و مختلف الملئكة و مکان رفت و آمدن فرشتگان...

و معادن العلم ما کانهای معرفت و دانشیم

و ینابیع الحکم و چشمه‌ساران حکمتیم

ناصرتنا و محبنا یتنظر الرّحمة یاران و دوستان ما منتظران رحمت الهی‌اند.

و عدونا و مبغضنا یتنظر السّطوة دشمنان و بدخواهان ما در انتظار عذاب

پروردگارند.^۲

آری کسی که زندگی‌اش مقرون به حق‌جویی و حق‌طلبی و در گفتار و کردار باصفا و بااخلاص باشد مورد حمایت الهی قرار می‌گیرد، زمینه موفقیت و سعادت برایش فراهم گشته، هدایت‌ها و روشنایی‌ها برایش الهام می‌گردد، چون خداوند چنین وعده داده است:

أَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبَ أَعْدَابَكُمْ....

۱ - نهج البلاغه فیض خ ۹۵ ص ۲۸۳.

۲ - نهج البلاغه فیض ص ۳۳۷.

«اگر خدا را یاری کنید خدا شمارا یاری می‌کند و ثابت قدمتان می‌دارد»^۱!

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَأَن اللّٰهُ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.

«آنانیکه در راه خدا جهاد می‌کنند ما راه‌های خود را به آنان ارائه می‌دهیم، به تحقیق

خداوند با نیکوکاران است»^۲.

مبشر و منذر، اول باید خود خدایی شود و از هر چه غیر خدا، پاک و منزّه باشد، انذار و تبشیرش برای رضای خدا و اعلاّی کلمه حق باشد یعنی باید الگوی عینی و عملی باشد، نیک و بد را شناسایی و در مقام عمل نیز آن را رعایت نماید، به فرموده امام علی (ع) که فرمودند:

من نصب نفسه للناس أماماً فعلیه أن ینبذ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تأدبیه بسیرته قبل تأدبیه بلسانه و معلم نفسه و مزّذّبها الحق بالأجلال من معلم الناس و مؤذّبهم. «هر که خود را امام مردم قلمداد می‌کند باید قبل از یاد دادن به دیگری نخست به تعلیم نفس خویش بپردازد باید قبل از ادب کردن و آراستن دیگری با زبان، با روش و عمل خود، او را ادب و آراسته سازد و آموزنده و ادب کننده نفس خود از آموزنده و ادب کننده مردم به تعظیم و احترام سزاوار تر است»^۳.

و باز هم فرمودند:

أیها الناس! أتئی واللّٰه ما احثکم علی طاعة الّٰه و اسبقکم الیها و لا أنهاکم عن معصیة الّٰه و أتناهی قبلکم عنها.

«ای مردم! به خدا سرگرد، شما را به طاعتی ترغیب نمی‌کنم مگر آنکه به آن از شما پیشی می‌گیرم و شما را از معصیتی منع نمی‌کنم مگر آنکه پیش از شما از آن باز می‌ایستم (ترک می‌کنم)»^۴.

نکته: اثر سازنده و تکامل آفرین انذار و بشارت، در گرو پاک بودن مبشر و منذر از آلودگیهای محیط است و سخن کسی نافذ است و در عمق جانها اثر می‌گذارد که گفتار و کردارش از تعادل منطقی برخوردار بوده و شعار و عملش مؤید هم باشد. و کسی که در دل فساد غوطه‌ور بود، و در کام عیاشی و هواپرستی فرو رفته باشد، قطعاً گفتارش زمینه پذیرش نداشته و ره به ستایی نخواهد برد، هر چند که قیافه مصلح و منذر به خود بگیرد، چنانچه بسیاری از خودکامگان و زورمداران تاریخ، بایک چنین ترفندی وارد اجتماع

۱- سورة محمد (ص) ۷/۱.

۲- سورة عنکبوت ۶۱/۲.

۳- نهج البلاغه فیض ص ۱۱۱۷ کلمات قصار ص ۷۰/۵.

۴- نهج البلاغه فیض خ ۱۷۸ ص ۵۶۴.

گردیده‌اند و اشک تمساح ریخته‌اند، ما بعنوان نمونه به داستان فرعون اشاره می‌کنیم:
 آنگاه که قیام الهی حضرت موسی علیه السلام، برای رهایی و نجات مردم دربند
 بنی اسرائیل از چنگ فرعون به اوج خود می‌رسد، فرعون قیافه منذر به خود می‌گیرد،
 قرآن کریم حالت او را بیان می‌کند و چنین نقل قول می‌کند:
 «أتى أخاف أن يبدل دينكم أو أن يظهر فى الأرض الفساد.
 «مردم من بیمناکم که (حضرت موسی) دین شما را دگرگون کند یا در زمین ایسجاد
 فساد کند»^۱.

فرعون در حالتی اشک تمساح می‌ریزد و خود را دلسوز مردم معرفی می‌کند که همه
 مردم، حتی اطرافیان او می‌دانند که تبهکار واقعی خود فرعون است و همه گرفتاریها زیر
 سر اوست، زیرا طغیانگر واقعی و کانون فساد فرعون و اطرافیان تبهکار اوست، فرعون
 غافل از آن است که شعار بدون عمل، و گفتار بی‌کردار، فاقد اثر است به گفته شاعر:
 باینند امر حق چو نه‌ای از وفا ملاف با خالقت چه کردی که با خلق او کنی
 و این سنت دیرینه الهی است که حضرت موسی (ع) در مبارزه بی‌امانش پیروز و فرعون
 و فرعونیان نابود می‌گردد.

گاندی یک جمله بسیار زیبا و عجیب دارد که: «پاکیزگی روح بزرگترین مبدأ است
 و فکر بدون این پاکیزگی به ثبات نمی‌رسد، مرد ناپاک قدرت مردانگی ندارد و پیوسته
 ترسو است و شخصی که به لذات جسمانی مشغول است نمی‌تواند جهاد کند»^۲.

۲- بینش «اجتماعی - سیاسی»

مبشر و منذر یعنی کسی که اصلاح جامعه را به عهده دارد، باید اهل آگاهی بوده و از محیط
 مأموریت خودش اطلاع کافی و دقیق داشته باشد، یعنی از بینش سیاسی - اجتماعی
 برخوردار باشد بخصوص ریشه‌های فساد را شناسایی و تبهکاران و مفسدان روزگارش
 را بشناسد، تا بتواند انذار کند و نیز خوبان و نیکوکاران جامعه را بداند، و با کانونهای
 اصلاح و مصلحین ارتباط مستمر برقرار نماید و با مزده و نوید به عملکرد آنان حرارت
 و گرمی خاص ببخشد. این راه هدایت است و شیوه انذار و بشارت، امام علی (ع)
 می‌فرماید:

أيها الناس من سلك الطريق الواضح ورد الماء و من خالف وقع فى التية.

۱- سوره المؤمن ۲۸/

۲- (این است مذهب من) گاندی، ترجمه موسوی ص ۱۳۰.

«ای مردم هر که راه راست را بپیماید به آبادی می‌رسد (و از تشنگی می‌رهد) و هر که بیراهه برود (و از راه راست پابیرون نهد) در بیابان بی‌آب و گیاه فرود آید و از بی‌آبی جان سپارد خلاصه اینکه، هر که به دستور خدا و رسول رفتار نماید سعادت‌مند می‌شود و هر که از شیطان و نفس اماره پیروی کند به عذاب مبتلا گردد»^۱.

خطر رهبران و منظران اجتماعی فاقد بینش سیاسی و درک اجتماعی برای جامعه همانند سم کشنده است و به امید اصلاح، افساد و به جای عمران و آبادی، خرابی و ویرانی به بار می‌آورد، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید که رسول اکرم (ص) فرمودند: من عمل علی غیز علم کان ما یفسد اکثر ممّا یصلح.

رسول اکرم (ص): «کسی که بدون آگاهی (بینش اجتماعی-سیاسی) عملی انجام دهد، خراب کردنش از آباد کردنش بیشتر است»^۲.
قال الصادق (ع): العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعة السیر الأبعداً.

امام صادق (ع) فرمودند: «هر که بدون بصیرت عمل کند مانند کسی است که بیراهه می‌رود هر چند شتاب کند از هدف دورتر می‌گردد»^۳.

با توجه به ظرافت و حساسیت امر (بشارت و انذار) بصیرت و بینش اجتماعی-سیاسی و اطلاعات کافی از محیط از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است چون فهماندن و شناساندن فرع بر فهمیدن و شناختن است، بیداری و تحرک اجتماعی است که بر فهم و بینش اجتماعی می‌افزاید، غفلت و بیخبری، زیانهای جبران‌ناپذیری را بدنبال دارد، به فرموده امام علی علیه السلام:

من نام عن عدوه نتهته المکاند.

«کسی که از دشمن غافل شود، توطنه‌های دشمن او را بیدار می‌کند»^۴.

آری: دشمنان سوگند خورده اسلام و ارزشها، آرام نمی‌مانند، همواره در حال تهاجم در کمین نشسته و منتظر فرصت‌اند، شرط نجات از دشمنان به کمین‌نشسته، هوشیاری و بیداری است. بی‌تفاوت ماندن و درگوشه‌ای خزیدن و از درد و رنج اجتماعی چشم پوشیدن گناه نابخشودنی است و اصولاً خلاف سیره رسول الله (ص) و معارض پیشوایی و راهبری است: گوش جان می‌سپاریم به توصیفی که امام علی (ع) درباره

۱- نهج البلاغه فیض خ ۱۹۲ ص ۶۵۰.

۲- اصول کافی ج یک ص ۵۵.

۳- اصول کافی ج یک ص ۵۴.

۴- الحیاء ج ۱ ص ۱۸۵، مجله حوزه شماره ۶ ص ۴۸.

رسول اکرم (ص) دارد:

طیب دوار بطبه قد احکم مراهمه واحمنی مواسمه یضع من ذلك حیث الحاجة الیه من قلوب عمی و اذان صم و السنۃ بکم متتبع بدرائه موضع الغفلة و مواطن الحیره.

«رسول اکرم (ص) طبیبی است روحانی که بوسیله طب و معالجه خودش، همواره در گردش است و مرهم هایش (علوم و معارفش) را (برای زخم دل‌های که با تیغ نادانی و جهل مجروح گشته) محکم و مهیا کرده است و ابزارها را (به آتش نهی از منکر و انذار از عذاب الهی) سرخ کرده و تافته است، هر جا که لازم باشد، از آن مرهم می‌گذارد؛ و مواضع نیازمند به معالجه عبارت از: دل‌های کور (از دانش) و گوش‌های کور (از شنیدن حق) و زبانه‌های لال (از گفتن سخنان راست) است. این طبیب روحانی بوسیله دوا و معالجه خود، بیمار بیهوشی و غفلت و نادانی، حیرت و سرگردانی را معالجه می‌کند»^۱.

تاریخ گواه بر این حقیقت است که امام علی (ع) الگو و اسوة مصلحین، در تمامی صحنه‌های اجتماعی-سیاسی، نظامی و فرهنگی به گونه‌های متفاوت حضور فعال داشته است، مبارزه مردانه آن امام همام در برابر مظاهر نامردی و نامردمی‌ها از یک سو، و غافل‌نماندن از محرومین و مظلومین از سوی دیگر، بیانگر این‌هاست و از خودگذشتگی است، چنانچه خود فرمودند:

«اگر بخواهم می‌توانم بهترین زندگی را برای خود مهیا کنم اما هیئات که هوای نفس بر من غالب آید و چه دور است که من باشکم سیر بخوابم در حالیکه در اطرافم شکم‌های گرسنه و جگرهای گرم (تشنه) باشد، تا آنجا که می‌فرماید:

أقنع من نفسی بأن یقال هذا امیر المؤمنین و لا اشارة کم فی مکاره الذهرا و اکون أسوة لهم فی جشوبة العیش...^۲

«آیا قناعت کنم که بمن بگویند زمامدار و سردار مؤمنین در حالیکه در دشواری‌های روزگار با آنان همدم نبوده و در تلخکامی جلو آنها نباشم؟!...»^۲.

راز موفقیت سازندگان نخبه و نخبگان سازنده، در فعالیت مداوم و اطلاعات کافی آنان از محیط ماموریت خویش بوده است، داشتن اطلاع کافی از محیط و فهم اجتماعی-سیاسی از شرایط حساس و سرنوشت ساز، بشارت و انذار است. متصدی آن، باید بدانند تا به سائرین بفهماند و برای این کار باید دوار باشد، آنگونه که پیامبران و اولیای خدا بوده‌اند. کسی که در مقام اصلاح قرار دارد، باید آگاه به زمان بوده و تحولات اجتماعی را

۱- نهج البلاغه فیض خ ۱۰۷ ص ۳۲۱.

۲- نهج البلاغه فیض ص ۹۷۱ نامه ۲۵ نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف.

بخوبی درک کند به بیان بهتر، نابسامانیهای جامعه خود را در ابعاد مختلف (اقتصادی، سیاسی - اجتماعی و اعتقادی) فهم نموده و روابط و نظامات حاکم بر آنان را دریابد، تنها در یک چنین موقعیتی است که ابهام و اوهام بر او هجوم نخواهد آورد به فرموده امام صادق (ع):

العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس.

«آنکس که عالم به زمان باشد، اشتباهها بر او هجوم نخواهد آورد»^۱.

و یا بنا بر آنچه که از امام علی (ع) در غرر الحکم نقل شده است می‌فرماید:

أعرف النَّاسَ بِالزَّمانِ مَنْ لَمْ يَتعجب مِنْ أحوالِهِ.

«آگاه‌ترین فرد به زمان کسی است که از رخدادها و حوادث تعجب نکند یعنی آنچنان

آگاه باشد و جریانات را بخوبی بشناسد که پیش‌بینی همه آنها را کرده باشد»^۲.

چه در غیر این صورت ممکن است خود در بزرگترین مفساد اجتماعی غرق

بوده و در عین حال خود را مصلح بداند، با شعار و ادعای عمران، خرابی ببار آورد،

جای تعجب نیست ما به عنوان نمونه بیک موردی از آن اشاره می‌کنیم، در قرآن

کریم دارد:

و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون

ولكن لا يشعرون.

«چون به آنها تذکر داده شود که در زمین فساد نکنید، در پاسخ می‌گویند تنها ما کار

به صلاح می‌کنیم، آگاه باشید که اینها بسیار مفسدانند و خرابکار اما بی‌شعورند

و نمی‌دانند»^۳.

بالاخره از شرط انذار و بشارت، فهم اجتماعی - سیاسی، یعنی درک واقعیتها

و حقیقتها است. استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید:

«اسلام دین حقیقت‌گرا و واقع‌گرا است... هر نوع عناد و لجاج، تعصب، تقلیدهای

کورکورانه، جانبداریها، خودخوانیها از آن نظر که برخلاف روح حقیقت‌گرایی

و واقع‌گرایی اسلام است محکوم و مطرود است»^۴.

مصلح اجتماعی که رسالتش انذار و تبشیر است باید ذوب در اسلام شده باشد و از هر

آنچه که مخالف با روح اسلام است، پاک و منزّه باشد.

۱- میزان الحکمة ۲/۲۴۴.

۲- میزان الحکمة ۴/۲۳۵.

۳- سوره بقره آیات (۱۱ و ۱۲).

۴- مجله حوزه شماره ۴ ص ۵۸.

۳- تصمیم و اعتقاد راسخ به مبارزه

یکی از شرایط عمده، انذار و تبشیر، تصمیم و عزم راسخ بر نابودی ریشه‌های مفساد اجتماعی است زیرا در هر عملی «تصمیم شرط اول موفقیت است» در مقابل، تزلزل و تردید، احیاناً بی تفاوتی مانند عامل شکست و نابودی است. به شهادت تاریخ، انسانهای هدفمند و بیدار و در رأس آنان انبیای الهی، مقارم و استوار تا پای جان در راه حفظ ارزشها، جان نثاری کرده‌اند.

داستان مبارزه انبیای الهی، سراسر حکایت استقامت و ایثار است. جهاد جانانه ابراهیم خلیل با نمرودیان زمانش، مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر حضرت موسی با فرعون و فرعونیان، جنگها و غزوات رسول اکرم (ص) با کفار و مشرکین صدر اسلام، مبارزات قهرمانانه و پیکار جاویدانه امام علی (ع)، و دیگر ائمه معصومین (ع) به خصوص حادثه عاشورا (نهضت خونین امام حسین (ع)) به گفته شاعر:

بزرگ فلسفه قتل شاه دین است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
مکن به کس ستم و زیر بار ظلم مرو که این آئین حسین و منطق دین است
اینها تابلو اعتقاد است و مبارزه (با بدیها در افتادن و از خوبیها حمایت کردن) و این سرآغاز دشواریها است زیرا دور ماندن از مراکز گناه و فساد و اجتناب از آلودگیهای اجتماعی نه چندان هنر است و شایسته تحسین، آنچه که در خور ستایش است با فساد مبارزه کردن و با تبیهکاران گلاویز شدن و دیگران را از اسارت نجات دادن است، در یک چنین وادی خطر، گام نهادن، عزم راسخ و ایمان قاطع می‌طلبد، زیرا این سفر، سفر عشق است و جگر شیر می‌خواهد، عشق به خدا و عشق به ارزشها و حاکمیت آن، نحرک آفرین است و مبارزه ساز، و کسی که «جگر شیر ندارد، او را سفر عشق نشاید». در این پیکار سازنده موفقیت از آن کسی است که رفتار و کردارش چنین باشد:

اگر کام تو در کام نهنگ است و یا در زیر دندان پلنگ است
برآور دست برزن آستین را که ناکامی برای مرد ننگ است
انذار یعنی با ائمه کفر و کانونهای فساد درانتادن و با انحرافات و کژیها مبارزه کردن. به فرموده قرآن کریم:

و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض.

«اگر خدا برخی مردم را در مقابل برخی دیگر برنمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرا می‌گرفت»!

در جای دیگر می فرماید:

و ما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون * و قالوا نحن اکثر اموالا و اولاداً و ما نحن بمعذبین.

«ماهیچ رسولی را در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار به رسولان گفتند که ما به رسالت شما کافریم و اصلاً ایمان و عقیده به شما نداریم و چنین استدلال کردند که ما بیش از شما مال و فرزند داریم و هرگز رنج و عذابی نخواهیم کشید»^۱.
آری جامعه مبتلا به یک چنین سردمداران غافل و جاهل که سعادت را جز اموال و اولاد خود نمی بینند، هرگز به سعادت نخواهد رسید، و مادام که حاکمیت و ریاست، بدست آنها باشد، فتنه و فساد نیز بازیگر میدان خواهد بود و ظلم و تعدی همچنان حکمروایی خواهد کرد که سرانجام آن نابودی و هلاکت جامعه و نابودی ارزشها است، در یک چنین وضعیتی است که جهاد بعنوان یک تکلیف الهی فرض می گردد، چون دستور خدا این است:

و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و يكون الذین لله...

«با کافران و سردمداران فساد مبارزه کنید، تا فتنه و فساد از روی زمین برچیده شود»^۲.

فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا ایمان لهم...

«پیشوایان کفر را نابود سازید که اینها هیچگونه عهد و پیمانی را (جز منافع خود) به رسمیت نمی شناسند»^۳.

دستور الهی، مبارزه با کانون فساد و علت اصلی بیداد است، باید ظلم و فساد را از ریشه نابود کرد و الا از بین بردن معلولهای فاسد و فروعات آن چندان کارساز نیست، به گفته شاعر:

ای سلیم آب ز سرچشمه ببند **عالم علوم** که چون پر شد نتوان بستن جوی

این نکته در سوره مبارکه «کافرون» به خوبی واضح است، آنجاکه می فرماید:

«ای رسول ما! به کافران و مشرکان بگو که من هرگز خدایان شما را قبول ندارم».

پیامبر اکرم آن مصمم ترین مرد تاریخ، عصاره خلقت، الگوی حسنه، اراده استوار و خلل ناپذیر آن انسان شکوهمند و تاریخ سازی که همه عالم را جز وسیله ای در راه به

۱- سوره سبا/ ۳۲ و ۳۵

۲- سوره نساء/ ۱۹۳

۳- سوره توبه (۹).

هدف رسیدن نمی‌داند، مرد مردانه در برابر نامریدها و نامردمیها ایستاده، عبارتی را بر زبان جاری می‌کند که در طول تاریخ بر تارک افلاک می‌درخشد:

يا عم! واللّه لو وضعوا السّمس في يميني والقمر في يساري على ان اترك هذا الامر حتى يظهر الله و اذا هلكت فيه ما تركة.

«ای عمو! بخدا سوگند اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند (یعنی حکومت شرق و غرب عالم را به من واگذار کنند) که از این امر (تبلیغ دین و ترویج ارزشها) دست بردارم، محال است تا اینکه خداوند آن را آشکار سازد و با من در این راه فدا شوم!»^۱

اینگونه بوده است فاطمیت همه انبیای الهی و مدافعین حریم ارزشها زیرا که جز رضای خدا بر وجود آنان حاکم نیست و مسلماً پیروزی از آن صالحان است.

امام علی علیه السلام الگوی ایشار و عدالت می‌فرماید:

أتی واللّه لو لقیتهم فرداً وهم ملأ الارض ما بایلت ولا استوحشت.

«بخدا سوگند اگر علی تنها و یک‌تنه با کفار و منافقین در حالیکه زمین را از وجود خود پر کرده باشند رو برو شوم، هرگز ترس و وحشتی به دل راه نخواهم داد».

آن حضرت شهامت و از خودگذشتگی و عزم جدی خود را که مافوق تصور است در دو نکته خلاصه می‌کند: یکی اطمینان و اعتقاد به درستی راه که در پیش دارد دیگری عشق به شهادت و دیدار خدای سبحان:

و أتى من ضلالتهم التي هم فيها والهدى الذي نحن عليه لعلی شفقةً و بينةً و یقین و بصیرةً و أتى ألی لقاء ربی لمشتاق...

«من به ضلالتی که در آنند و هدایتی که ما بر آنیم و براساس آن مبارزه می‌کنیم اطمینان دارم و مشتاق لقاء پروردگار خویشم»^۲.

در عبارتی دیگر دارد:

والله أبن أبي طالب لايبالي اوقع الموت ام الموت وقع عليه

«بخدا سوگند علی بن ابی طالب، باکی ندارد، که او به سوی مرگ حرکت کند یا مرگ بر او وارد گردد»^۳.

امام حسین (ع) قهرمان پاکباز کربلا به برادرش محمد حنفیه می‌فرماید:

۱- سیره بن هشام ص ۲۶۶.

۲- ری شهری - شهادت ص ۱۷ به نقل از شرح بن ابی‌الحدید ج ۶ ص ۹۹ و ۱۰۰.

۳- شهادت از دیدگاه امام علی (ع) ص ۴۵ و بحار ج ۷۱ ص ۲۶۳.

یا اخی الو لم یکن فی الدنیا ملجأً ولا مأوی لما بیعت یزید بن معاویة.^۱

«برادرم! بخدا سوگند اگر در این عالم، یار و یاور، جایگاه و پناهگاهی هم نداشته باشم هرگز با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد. چرا؟ فلسفه این استقامت شکوهمند و عزم راسخ بمبارزه را آن امام همام در طلیعه قیام الهی عاشورا بیان فرموده است:

یزید رجل شارب الخمر قاتل النفس المحترمة معین بالفسق.

«یزید مردی است فاسق، شراب‌خوار، آدم‌کش و گنهکار علنی و هرگز کسی مثل من با فردی چون یزید بیعت نمی‌کنده.»^۲

توجه به این نکته لازم است که امام حسین (ع) این جمله (با یزید بیعت نمی‌کنم) را در آغاز حرکت در بین راه و در شب عاشورا تکرار کرد، یعنی مبارزه می‌کنیم و در این حرکت الهی خود جدی هستیم و مبارزه با یزید، مبارزه با کائون فساد و ریشه همه آلودگیها. راه امام حسین راه انذار و بشارت است راه قیام و هدایت است. رجز خوانی ابو الفضل العباس در گرما گرم مبارزه در کنار شط فرات، هنوز در گوش عالم طنین انداز است که فرمودند:

واللّٰه ان قطعتم یمینی
انی احمی ابدأ عن دینی

بخدا قسم، اگر دست راستم را قطع کنید، من هرگز از حمایت دینم دست برنخواهم داشت.

آری انذار کردن و برحذر کردن مردم گمراه و جاهل، شهادت و عزم جدی می‌طلبید، ایثار و فداکاری لازم دارد، مسلماً انسانهای ترسو و راحت‌طلب که از مصائب و گرفتاریهای اجتماعی در وحشتند، نمی‌توانند قدم در وادی انذار بگذارند، زیرا منذرین پیوسته با تبهکاران و مفسدان زمانشان در پیکار و نبرد خواهند بود. بناً در سازندگی، تنها شناسایی مفاسد اجتماعی کافی نیست بلکه در کنار آن عزم جدی برای نابودی آن لازم است و الا انذار مسخ شده و بی‌فایده خواهد بود. آنچه که تاکنون بر شمردیم (تقوای الهی - بینش اجتماعی - سیاسی و عزم و اعتقاد راسخ به مبارزه) از شرایط اساسی و ارکان اصلی انذار و تبشیر به شمار می‌رود. و حضرت رسول اکرم (ص) بهترین الگو و اسوه در این عرصه سازندگی و دیگر سازی است که خدای فرمود: (یا أيها المدثر، قم فانذر)

۱- جاویدان - بررسی نهضت امام حسین (ع) ص ۹

۲- جاویدان - بررسی نهضت امام حسین (ع) ص ۶

«ثمره انذار و تبشیر»

اصولاً بشارت و انذار مقدمه سازندگی و دیگر سازی است و دو بال تعلیم و تربیت است و عامل حساس در ساختن و پروراندن جامعه انسانی است، جامعه سالم و الهی که ارزشها در آن شکوفا گردیده و آلودگیها و ناپاکیها از آن ریشه کن گردد.

چنانکه در صدر اسلام بر اثر زحمات بی وقفه و تلاشهای پیگیر شخص رسول الله و یاران و اصحاب با وفا و ایثارگر آن حضرت، یک چنین جامعه‌ای بوجود آمد.

رسول اکرم (ص) آن عصاره خلقت که سالها در زمینه خودسازی کار کرده و از آلودگیهای محیط مبری و پاک و از فهم اجتماعی - سیاسی کافی برخوردار بوده است، توانست جامعه نمونه و الگوی انسانی را به دنیای بشریت عرضه کند، جامعه‌ای که قرآن کریم آن را چنین توصیف فرموده است:

محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله ورضواناً * سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التورات و مثلهم فی الانجیل کذراع اخرج شطنه فأزره فاستغلظ فاستوی علی سوفه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة واجراً عظیماً.

«حضرت محمد (ص) فرستاده خداوند است و یاران او بر کافران، قوی دل و خشمگین و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند، آنان را در حال رکوع و سجود نماز بسیار بنگری که فضل و رضای الهی را بدعا می طلبند، و بر رخسارشان اثر سجده (اعلان نورانیت و عظمت) پیداست و این وصف حال آنها در کتاب تورات و انجیل آمده است: که مثل حال آن رسول الهی به دانه‌ای ماند که چون نخست سر از خاک درآورد، شاخه‌ای نازک و ضعیف باشد، بعد از آن قوت یابد تا حدیکه ستبر و قوی گردد و بر ساق خود محکم و راست بایستد که دهقانان در تماشای آن حیران مانند، همچنین محمد و یارانش، از ضعف به قوت رسند تا کافران عالم را از قدرت و قوت خود به خشم آرند و خداوند وعده فرموده که غفران الهی و اجر عظیم و ویژه کسانی است که نیکوکار و باایمان باشند»^۱.

و بزرگیهای یک جامعه سالم و الهی، در جایی از قرآن کریم آمده است:

«...فسرف یأتی الله بقوم؛ خداوند برای نصرت حق قومی را برمی انگیزد که: یحبهم و یحبونه؛ آنها خدا دوست و خداوند دوستدار آنهاست».

«یجاهدون فی سبیل الله؛ برای خدا جهاد می کنند نه برای اغراض و سودجوییهای

شخصی».

«و لایخافون لومة لائم؛ از ملامت سرزنش کنندگان بیم و هراسی ندارند»^۱.

بطور فشرده، جامعه محمدی (ص) که تبلور و تجسم جامعه توحیدی است دارای این ویژگیهاست:

۱- آنها خدا را دوست دارند و خداوند نیز دوستدار آنان است و منشأ این دوستی عشق و ایمان است.

۲- با کفار و مشرکین و مظاهر آلودگیها و ناپاکیها در جنگ و ستیزند.

۳- در برخورد با مؤمنین متواضع و مهربانند.

۴- جهاد و پیکارشان برای رضای خدا و آسایش بندگان اوست نه برای اغراض شخصی.

۵- در راه مبارزه شعاع و نترس اند.

جامعه‌ای با این خصوصیات جامعه‌ای بیدار، موفق و پایدار است، جامعه‌ای سعادت‌مند و فاتح و مؤید از روح الهی است، که سزاوار ماندن و جاویدانگی است و آثار عظمت، سرفرازی و ارزشمندی در جبین تک تک افراد آن نمودار می‌باشد، جامعه‌ای که در آن اخلاص و ایثار، صفا و صمیمیت، عشق و ایمان، وحدت و همبستگی و در یک کلام همه مظاهر خوبی و نیکی بارور گشته و گلستان زندگی سبز و شکوفامی‌گردد و لذا خداوند فرمود که:

لقد کان لکم فی رسول اللّٰه (ص) أسوة حسنة...

«البته شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر

اوصاف و افعال نیکو خیر و سعادت بسیار نزد خداوند است»^۲.

بیان الگوها در قرآن کریم برای بیدار کردن و آگاه نمودن انسانها است، یعنی ای انسانها تنها راه رسیدن به اهداف عالی انسانی و استقرار جامعه توحیدی، خودسازی، سازندگی و مبارزه بی‌امان با اهریمنان روزگار است به تعبیر رساتر «راه محمد (ص) راه پیروزی است» چون قرآنش قانون عدل است و رسالتش هدایت است نه سلطنت به گفته شاعر:

فرمانروای ماسرا محمد

همراز قلب انبیا محمد

هم ابتدا هم انتها محمد

با وحی منزل همصدا محمد

ما ينطق عن الهوى محمد آية الله في العالمين

به امید روزی که جوامع اسلامی در پرتو سخنان حکیمانه و مواعظ صادقانه و انذار و بشارت خالصانه آن نور عالمتاب، بیشتر با حقائق آشنا گشته و پرورش فکری و روحی پیدانمایند، عاقلانه و منطقی یا گامهای استوار و دل‌های سرشار از عشق و ایمان، در طریق تکامل پرتحرک و پویا بوده و به عزت و سرفرازی نائل آیند که عزت از آن خدا و رسول و مؤمنین است. به گواه قرآن کریم مزد رسالت و ثمره انذار و بشارت جز این نیست که فرمود:

و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیراً * قل ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلاً *

«ای رسول! ما تو را نفرستادیم مگر برای آن‌که خلق را به رحمت ما بشارت دهی و از عذاب ما بترسانی و ای رسول ما بگو، من از شما امت مزد رسالت نمی‌خواهم، اجر من همین بس، هر کس در راه راست رسول خدا حرکت کند او به سعادت ابدی نائل گردد»^۲.

والسلام



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

۱- خلوتگاه راز ج ۲ (ای اشکها بریزید) ص ۶۱ (دیوان احسان).

۲- سورة فرقان ۵۶ و ۵۷.